

کاروان

CARAVAN Mehr

دوماہنامہ فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۰
مهر-آبان ۱۳۹۵، ۱۵ هزار تومان

یک نگاه، یک زندگی

مارینا تسوتایوا

Marina Tsvetaeva

با آبی تو،

تسوتایوا، سوزان سانتاگ،
ریلکه، بوریس پاسترناک،
خجسته کیهان، احمد
پوری و محمدرضا فرزاد

کاروان هنر و ادبیات امروز

داستایفسکی جوزف
فرانک، رابیندرانات تاگور،
آندره ژید و جیمز جویس

کاروان

دوماهنامه فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۰
مهر - آبان ۱۴۹۵، ۱۵۰۰۰ تومان

CARAVAN Mehr

Bimonthly cultural Journal
2nd year, 9th Issue,
Aug. - Sep. 2016, 12000 Toman



مدیر و سردبیر: فرزانه قوجلو

Licensee & Editor: Farzaneh Ghojaloo

طراح گرافیک: علی بخشی
مدیر داخلی: ستاره حیدری نوری
امور مشترکین: ساحل حیدری نوری
چاپ: چاپ و نشر نظر

Graphic Designer: Ali Bakhshi
Executive Director: Setareh Heidary Noori
In Charge of subscription:
Sahel Heidary Noori
Press: Nazar Press

نشانی پستی: میدان رسالت، بلوار دلاوران، سراج شمالی،
کوچه شهید مسلم شهرابی، پلاک ۵۷، واحد ۵
صندوق پستی ۶۷۷-۱۶۷۶۵
تلفن: ۷۷۳۷۳۰۸۶ / ۰۹۱۲۲۸۸۱۴۶۵
فاکس: ۷۷۳۷۳۰۸۶
بخش کتابفروشی ها: ققنوس؛ تلفن: ۰۶۶۴۰۸۶۴۰

Tel: +98-21-77373086 / 0912-288-1465
Fax: +98-21-77373086
Address: Tehran, P.O.Box: 16765-677

نشانی اینترنتی: www.caravan-mag.com
ایمیل مجله: info@caravan-mag.com
ایمیل سردبیر: ghojaloo20@gmail.com
ایمیل مدیر داخلی: setareh@caravan-mag.com
تلگرام: CARAVANMAG
اینستاگرام: CARAVANMEHR

Website: <http://caravan-mag.com>
Editor email: ghojaloo20@gmail.com
Journal email: info@caravan-mag.com
Executive director:
setareh@caravan-mag.com
Telegram: CARAVANMAG
Instagram: CARAVANMEHR

کاروان مهر نشریه‌ای است که هر دو ماه یک بار به معرفی فرهنگ و ادبیات ایران و جهان می‌پردازد. اگر مایل به ارسال مطلب برای ما هستید، می‌توانید مطالبتان را به صندوق پستی نشریه و یا به ایمیل‌های سردبیر و مجله ارسال کنید.

Caravan Mehr, a journal being published every two months, introduces Persian and world culture & literature. If you are interested in sending articles to us, you may dispatch them to our P.O.Box or send them via emails of Editor and journal.




مارینا تسوتایوا Marina Tsvetaeva

- ۷ سرمقاله
- ۱۰ سالشمار زندگی و آثار مارینا تسوتایوا / آ. سا آکیانتس، و. ل. منوخین / هستی نقره چینی
- ۴۰ مارینا تسوتایوا / لودمیلا کیسلئوا / آبتین گلکار
- ۵۷ ده شعر از مارینا تسوتایوا / ترجمه احمد پوری
- ۶۸ دیدار با تسوتایوا / آنا آخمتووا / رخشنده ره گوی
- ۷۰ نامه مارینا تسوتایوا به استالین / ایرما کودروا / نعیم بزاز عطایی
- ۸۸ دو نامه از مارینا تسوتایوا به آخمتووا / ترجمه نسترن زندگی
- ۹۵ نامه‌ها: بوریس پاسترناک، مارینا تسوتایوا و راینر ماریا ریلکه / سوزان سانتاگ / خجسته کیهان
- ۱۰۷ چند نامه از پاسترناک، تسوتایوا و ریلکه / ترجمه سیما سلطانی
- ۱۲۵ آخرین نامه‌های مارینا تسوتایوا / ترجمه احمد پوری
- ۱۳۰ سه شعر از مارینا تسوتایوا / ترجمه محمدرضا فرزاد

کاروان هنر و ادبیات امروز

- ۱۴۰ داستایفسکی جوزف فرانک / دیوید فاستر والاس / ترجمه مهران صفوی و میلاد میناکار
- ۱۶۹ تندیس رابیندرانات تاگور در مرکز لندن / ترجمه مه لقا فاضلی
- ۱۷۴ گیتانجالی، مقدمه آندره ژید بر گیتانجالی تاگور / ترجمه سروش حبیبی
- ۱۹۵ پنج بند از گیتانجالی / رابیندرانات تاگور / علاءالدین رحیمی
- ۲۰۱ چگونه دابلی‌ها متولد شد؟ / اکرم پدram نیا





یک نگاه، یک زندگی

مارینا تسوتایوا

Marina Tsvetaeva

ناظم حکمت

مجموعه‌ای از اشعار
ترجمه احمد پوری



احمد شاملو

مجموعه آثار

دکتر دوم گریسی و شاعران ترک جهان



نزار قبانی

گزیده اشعار

عشق با صدای بلند
ترجمه احمد پوری



آنا آخمتووا

گزیده اشعار

سایه‌ای در میان شما
ترجمه احمد پوری





سرمقاله

۷۵ سال بدون مارینا تسوتایوا

فرزانه قوجلو

مارینا تسوتایوا دومین شاعر برجسته‌ی روس است که پس از پرداختن به آخامتووا به سراغش رفته‌ایم تا در این شماره‌ی مجله دوستداران شعر جهان، به ویژه شعر روسیه، را با زندگی و آثارش آشنا سازیم.

سال‌های سال به علت تسلط گرایش رئالیسم سوسیالیستی و دریافت ژدانی از ادبیات در ایران توسط اکثریت روشنفکران ایران چهره‌هایی همچون اوسپ ماندلشتام، آنا آخامتووا و تسوتایوا در محاق باقی ماندند تا این که در سال‌های اخیر در شناساندن ماندلشتام و آخامتووا گام‌های ارزنده‌ای برداشته شد. اما این اول بار است که تسوتایوا به این صورت در زبان فارسی مطرح می‌شود.

مارینا تسوتایوا نیز به روزگاری می‌زیست که «اتحاد جماهیر

شوروی» تحت زمامداری استالین در اوج قدرت بود و اندیشمندان، شاعران، نویسندگان و هنرمندان این سرزمین به شدت زیر نظر بودند و حتی مجالی برای اندیشیدن و نفس کشیدن برایشان باقی نمی ماند چه رسد به انتشار آثار. نظام کمونیستی کوچک ترین تخطی از اصول خود را بر نمی تابید و آنان که به رغم تمام این فشارها و نظارت پلیس مخفی بر تمام شئون زندگی شان ذره ای از این اصول فراتر می رفتند باید عقوبتی سخت را متحمل می شدند و این عقوبت فقط شامل حال خود آن ها نمی شد بلکه خانواده های شان نیز جان سالم به در نمی بردند. زندان و تبعید و کار اجباری در سرمای سخت سیبری کم ترین این عقوبت ها بود. و یکی از غم انگیزترین این سرنوشت ها نصیب مارینا تسوتایوا شد که شعرهایش را در ادبیات قرن بیستم روسیه در زمره ی بزرگ ترین ها می دانند. او که تن به هیچ محدودیتی نمی داد، پس از مدت ها فقر و در به دری، تبعید و زندانی شدن فرزندان و سپس تیرباران همسرش، در دوم سپتامبر ۱۹۴۱ در اوج ناامیدی خود را در کلبه اش حلق آویز کرد. گفتند که عقل از کف داده بود و آخمتووا در پاسخ به این ادعا به دختر تسوتایوا چنین گفت: «... او را زمانه کشت، ما را زمانه کشت... ما سالم بودیم، محیط پیرامونمان دیوانه بود...».

خبر مرگ مارینا تسوتایوا آهسته و دهان به دهان گشت. دهم نوامبر ۱۹۴۱ بوریس پاسترناک به همسرش که در کریستوپول بود نوشت که خبر خودکشی مارینا را از کنستانتین فدین نویسنده شنیده است. «اگر این خبر صحت داشته باشد چقدر من مقصوم. هیچ وقت خودم را نمی بخشم.» این نامه و نامه ی دوم پاسترناک در بیست مارس ۱۹۴۲ به نینا تابدیتس، بیوه ی یکی از دوستانش، نشان می دهد که واقعاً پاسترناک از حال و روز و شرایط زندگی تسوتایوا خبر نداشت. او تصور می کرد که همیشه جمعی از دوستان ستایشگر مارینا را دوره کرده اند. در ۱۹۴۲ پاسترناک دو شعر درخشان برای مارینا سرود. آخمتووا نیز چندین شعر در رثای تسوتایوا نوشت که تا دهه ی ۱۹۶۰ اجازه ی انتشار نیافت.

آناستازیا تسوتایوا که به سیبری تبعید شده بود فقط دو سال بعد از مرگ خواهر باخبر شد. در تابستان ۱۹۴۳ نامه ای از والریا افرون، خواهر شوهر مارینا، به او رسید. در پایان نامه، بعد از کلی خبرهای جدید، والریا نوشت: «موزیا، نویسنده فانوس جادویی، دیگر در میان ما نیست. پسرش به همراه اتحادیه نویسندگان جایی در قزاقستان است.» کلمات غریب می نماید. یا آن قدر والریا از مارینا دور بوده که او را

با نام دوران کودکی اش به یاد می‌آورد و از آثار او فقط کتاب دومش را می‌شناسد. یا آن که به زبان رمزی که در اتحاد جماهیر شوروی متداول بود با هم مکاتبه می‌کردند تا از تیغ سانسور در امان بمانند. آناستازیا از پذیرفتن خبر مرگ مارینا سرباز می‌زند. اما در همان تابستان نامه‌ی کوتاهی از لیلیا افرون به دستش رسید که تأییدی بود بر مرگ مارینا. «مارینا ۳۱ آگوست دو سال پیش از دست رفت.» وقتی آناستازیا از نحوه‌ی مرگ مارینا می‌پرسد، لیلیا افرون تلگرامی سه کلمه‌ای برایش می‌فرستد: «مثل مادر ما.» آناستازیا می‌داند که مادر سرگنی و لیلیا افرون در ۱۹۱۰، بعد از خودکشی کوچک‌ترین پسرش، خود را حلق آویز کرده بود. اکنون آناستازیا تسوتایوا پاسخ را می‌داند.

بوریس پاسترناک، راینر ماریا ریلکه، آنا آخمتووا و جوزف بردوسکی از ستایشگران اشعار تسوتایوا بودند و شعرهای او بارها به زبان انگلیسی ترجمه شدند و دیمتری شوستاکوویچ، آهنگساز روس، بر شش قطعه از اشعار تسوتایوا آهنگ ساخت.

در این جا شایسته است که از دوست گرانمایه، آقای احمد پوری، صمیمانه تشکر کنم که ده شعر از مجموعه شعر «سودای کولی‌وار» را که قرار است به زودی نشر چشمه منتشر کند در اختیار ما گذاشتند. از ناشر نیز برای این همکاری سپاسگزارم.



اما نکته‌ای را می‌خواهم اینجا مطرح کنم که همیشه از طرحش اکراه داشته‌ام لیک گویا گریزی و گزیری نیست.

بهای کاغذ طی چند ماه اخیر پنجاه درصد افزایش داشته و هزینه چاپ و صحافی نیز بیست درصد. و همین افزایش‌ها، که فقط بخشی از هزینه‌های اضافی است، چاره‌ای برای ما باقی نگذاشته تا بهای پشت جلد را کمی بالا ببریم که اگر مقدور بود هرگز چنین افزایشی در میان نبود.

از مخاطب گرامی مجله به دلیل درک این شرایط دشوار سپاسگزارم.



سالشمار زندگی و آثار

مارینا تسوتایوا

آ. ساآکیانسی، و. ل. منوخین

ترجمه هستی لقره‌چی

۱۸۹۲ ۲۶ سپتامبر (۸ اکتبر) در مسکو در خانواده ایوان
ولادیمیروویچ تسوتایف، استاد دانشگاه و بنیانگذار موزه
هنرهای تجسمی و همسرش ماریا آکساندرونا مین، دو
دختر به نام‌های مارینا و آناستاسیا در فاصله دو سال به
دنیا آمدند.

کودکی در مسکو گذشت و تا سال ۱۹۰۲ تابستان‌ها در
تاروس در اوکا سپری می‌شد. مارینا تسوتایوا به گفته
خودش سرودن شعر را از هفت سالگی آغاز کرد.
از سال ۱۹۰۲ که ماریا آکساندرونا مین به سل مبتلا شد،
خانواده مجبور به زندگی در خارج از کشور شد: در ایتالیا،
سوئد و آلمان.

۱۹۰۵ خانواده رهسپار کریمه شد.



آناستازیا و مارینا، روسیه، پالتا، ۱۹۰۵

مادر مارینا تسوتایوا





مارینا تسوتایووا و سرگئی افرون، ۱۹۱۲

- ۱۹۰۶ تابستان. ماریا آلکساندرونا در تاروس درگذشت.
- ۱۹۰۸-۱۹۱۰ مارینا تسوتایووا چندین بار دبیرستانش را عوض کرد و در هیچ یک از آن‌ها مدت زیادی درس نخواند. شعر می‌نوشت و کتابش را آماده می‌کرد.
- ۱۹۱۰ اولین کتاب مارینا تسوتایووا به نام آلبوم شبانه در مسکو منتشر شد که والوشین آن را ستود. از همان زمان دوستی او با والوشین آغاز شد. اولین مقاله انتقادی خود «جادو در اشعار بریوسوف» را نوشت.
- ۱۹۱۱ ۵ مه. تسوتایووا همراه والوشین به کاکتیل رفت و در آنجا با همسر آینده‌اش، سرگئی یاکوفلویچ افرون ملاقات کرد.
- تابستان. برای مداوای بیماری سرگئی به اوفیمسکایا رفتند؛ او مبتلا به سل بود.
- ۱۹۱۲ ۲۷ ژانویه. مراسم عقد مارینا تسوتایووا با سرگئی افرون برگزار شد.
- فوریه. دومین مجموعه شعر تسوتایووا، فانوس جادویی چاپ شد.
- ۲۹ فوریه. زوج جوان برای ماه عسل به ایتالیا، فرانسه و آلمان رفتند.
- ۳۱ مه. افتتاح موزه آلکساندر سوم که در ابتدا موزه‌ی هنرهای زیبا نامیده شد و بعد به موزه‌ی هنرهای تجسمی تغییر نام یافت.
- ۵ (۱۸) سپتامبر. آریادنا، دختر تسوتایووا به دنیا آمد.
- ۱۹۱۳ فوریه. تسوتایووا سومین اثرش از دو کتاب را منتشر کرد. و روی کتاب اشعار جوانی از ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۵ کار کرد. (این کتاب چاپ نشد).
- آوریل - آگوست. تسوتایووا و خانواده‌اش در خانه والوشین در کاتیل زندگی می‌کردند.



ماریتا تسوتاجو و آریادنه (آلیا)، مسکو، ۱۹۱۶

ماریتا تسوتاجو و آریادنه (آلیا)، ۱۹۲۵





مارینا تسوتایوا، لیلیا افرون، سرگئی افرون، ولادیمیر سوکولوف، ورا افرون، النا ولوشین، کورکتیل، ۱۹۱۴

- ۳۰ آگوست. در مسکو ایوان ولادیمیروویچ تسوتایف درگذشت.
 سپتامبر-دسامبر. خانواده تسوتایوا در کریمه: یاتا و فتودوسیا زندگی کرد.
 نوامبر-دسامبر. شرکت در نشست های ادبی.
 مارس-آوریل. مکاتبه با رازانووی. ۱۹۱۴
- ۱۵ فوریه - ۱۵ مارس. کار روی منظومه ی «ساحر» از مجموعه اشعار دوران جوانی.
 پاییز. بالاخره مارینا تسوتایوا «خانواده جادویی» اش را در خیابان باریسوگلب پیدا کرد.
 پاییز-زمستان. یک دوره شعر تغزلی متأثر از ملاقات با سوفیا پانونوک سروده شد.
- ۱۱ فوریه. ۱۹۱۵ اولین شعر تحت تأثیر آنا آخماتووا را نوشت.
 مارس. سرگئی افرون با قطار ویژه حمل مجروحان به جبهه رفت.
 بهار - تابستان. با پانونوک به کاکتیل سفر کرد. در کاکتیل با اوسیپ ماندلشتام ملاقات کرد.
 آگوست. بازگشت به مسکو.
 دسامبر. سفر با پانونوک به پتروگراد.
- ۱۹۱۶ تسوتایوا آغاز سال را در پتروگراد گذراند و آنجا ملاقات هایی داشت: دیدار با کوزمین و دومین دیدارش با اوسیپ ماندلشتام.



اوسپ ماندلشتام، ۱۹۲۳ سوفیا پارنوک، ۱۹۱۲

۲۰ ژانویه. بازگشت به مسکو.

۲۲ ژانویه. شرکت در نشست ادبی و شب شعر موزه پلی تکنیک.

تسوتایوا تقریباً در تمام شماره‌های مجله یادداشت‌های شمالی شهر پتروگراد می‌نوشت.

آخر ژانویه - اول فوریه. سفر اوسپ ماندلشتام به مسکو؛ تسوتایوا اشعاری در مورد مسکو نوشت و آثاری را هم به این شاعر تقدیم کرد.

مارس. آشنایی با تیخون چوریلین و اشعاری برای او.

آوریل - مه. خلق چندین شعر برای الکساندر بلوک.

تابستان الکساندرروف. سفر به شهر الکساندرروف و خلق یک دوره شعر برای آخمتوا.

نیمه دوم سال. تسوتایوا اشعار رمانتیک می‌نویسد؛ تعداد زیادی از اشعار

سال ۱۹۱۶ او در کتاب مسافت‌نماها، سال ۱۹۲۲، جمع‌آوری می‌شود. در

همان سال تسوتایوا رمان فرانسوی امید تازه را ترجمه می‌کند. (در مجله



آریادنه و ایرینا، ۱۹۱۹، آرشیو موزه مارینا تسوتایوا

یادداشت‌های شمالی به چاپ رسید.

۱۹۱۷ ژانویه - مارس. نوشتن چند شعر، از جمله [شعری] در مورد انقلاب فوریه:

«عقاب دو سر بدون افتخار سقوط کرد - تزار! شما به حق نبودید.»

۱۳ آوریل. تولد دخترش ایرینا.

سپتامبر - اکتبر. تسوتایوا در فئودوسیا زندگی می‌کند.

نوامبر. انقلاب اکتبر به نظر تسوتایوا فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر بود. او به

دنبال همسر خود به مسکو رفت و به شکلی معجزه‌آسا او را پیدا کرد.

اشعار تراژیک در مورد مرگ، کشتار و شکنجه‌ها.

دسامبر. آشنایی با آنتوکالسکی بازیگر تئاتر و شاگرد و اختانگوف.

۱۹۱۸ ژانویه. آنتوکالسکی، تسوتایوا را با زاوادسکی (بازیگر و شاگرد و اختانگوف)

آشنا می‌کند.

سرگئی افرون مدتی مخفیانه در مسکو اقامت کرد و بعد به راستوف رفت و

در آنجا به ارتش داوطلبان که در حال شکل‌گیری بود، پیوست.

۱۸ ژانویه. تسوتایوا همسرش را برای آخرین بار، پیش از جدایی چهار سال، ملاقات کرد.

بهار - تابستان. تعداد زیادی شعر ملی نوشت که بعدها در کتابی تحت عنوان اردوگاه قو جمع آوری شد. (که این کتاب در دوران حیات او به چاپ نرسید).

سپتامبر - دسامبر. نمایشنامه‌های رمانتیک سرباز سرخ و کولاک را نوشت. و تقریباً حادثه را تمام کرد.

نوامبر. «خدمت» کوتاه تسوتایوا در کمیساریای ملی. آشنایی با هالیدی که قهرمان‌های نمایشنامه‌اش را با الهام از شخصیت او خلق کرد.

ژانویه. تکمیل نمایشنامه‌ی حادثه. ۱۹۱۹

ژانویه - فوریه. نوشتن نمایشنامه‌ی اقبال.

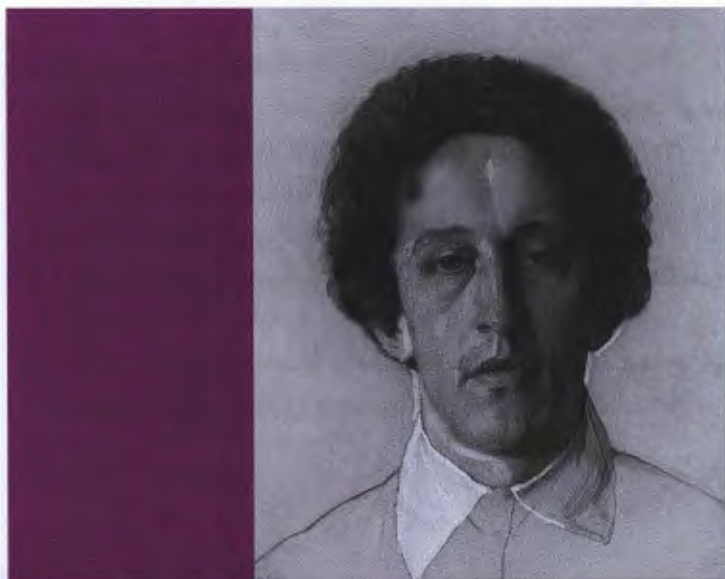
آوریل - اکتبر. مجدداً «خدمت» در بخش آماری اسرای روس در سمت مأمور ثبت نام.

ژوئن - ژوئیه. نمایشنامه‌ی فرشته‌ی سنگی را نوشت.

ژوئیه - آگوست. نوشتن نمایشنامه فنیکس. گرسنگی، سرما، ویرانی.

۲۷ نوامبر. تسوتایوا دختران خود، آلیا و ایرینا را به پناهگاه کودکان فرستاد.

تک‌چهره‌ی الکساندر بلوک، اثر کنستانتین سوموف (Konstantin Somov)، ۱۹۰۷



- ۱۹۲۰ تسوتایوا، آلیا را که به شدت بیمار بود از پناهگاه کودکان نزد خود آورد.
 ۱۵ (۱۶) فوریه. ایرینا در پناهگاه درگذشت.
 آوریل. تسوتایوا یک دوره غزل می نویسد.
 ۹ مه. تسوتایوا برای اولین بار بلوک را در جلسه‌ای در «پلی تکنیک» دید؛
 جرأت نکرد با او صحبت کند.
 ۲۷ مه. شرکت در سال جشن بالمونت در «کاخ هنر».
 از ۱۴ ژوئیه تا ۱۷ سپتامبر. منظومهٔ دوشیزه تزار را نوشت.
 ۱۱ دسامبر. تسوتایوا در موزهٔ «پلی تکنیک» شعرخوانی کرد.
 ژانویه. کار روی منظومه‌ی براسب سرخ.
- ۱۹۲۱ آخر ژانویه - فوریه. کار روی منظومه‌ی ایگوروشکا.
 فوریه - مارس. آشنایی با پرنس والکونسکی. مجموعه شعر دانش آموز را
 خطاب به او نوشت. سرودن چند دوره غزل: مجموعه‌های مارینا، فراق،
 گیورگی (خطاب به همسرش).
 ۱۴ ژوئیه. تسوتایوا از زنده بودن همسرش و استقرار او در کنستانتینوپل
 آگاه شد.
 ۱۷ آگوست. الکساندر بلوک درگذشت؛ تسوتایوا به برخی از شعرهای او
 جواب داد.
 ۲۵ آگوست. نیکلای گومیلیوف تیرباران شد؛ تسوتایوا نامهٔ مفصلی به آنا
 آخمتووا نوشت.
 پاییز. شعر می نویسد. برای رفتن نزد همسرش آماده می شود.
 آخر نوامبر. تسوتایوا مرثیه برای بلوک را تمام می کند.
 در سال ۱۹۲۱ تسوتایوا پس از وقفه‌ای ۸ ساله از طریق یک ناشر غیردولتی
 به نام «کاستری» کتاب کوچکی تحت عنوان مسافت نماهارا چاپ کرد که
 شامل ۳۵ شعر از نوامبر ۱۹۱۷ تا دسامبر ۱۹۲۰ می شد.
 ژانویه - مه. تسوتایوا سرودن اشعار خداحافظی را دنبال می کند. منظومه‌ی
 پس کوچه‌ها را در وداع با مسکو می سراید.
 ۳-۱۰ مه. دریافت مدارک لازم برای سفر به خارج از کشور به همراه دخترش.
 ۱۱ مه. سفر مارینا تسوتایوا.



مارینا تسوتایوا همراه با سرگئی افرون و همسایه‌های‌شان در پراگ ۱۹۲۳

خارج از کشور

دوشنبه ۱۵ مه. تسوتایوا با دخترش به برلین رسید. تا آن زمان دو کتاب دیگر فراق و اشعاری برای بلوک را برای تأمین هزینه‌ی سفر، چاپ کرده بود.

۱۶ مه. آندری بیلی کتاب فراق را خواند و نقد بلندی در باره‌ی آن نوشت. دوستی کوتاه مدت با آندری بیلی در برلین.

۷ ژوئن. تسوتایوا در نهایت با همسرش که از پراگ آمده بود ملاقات کرد. ژوئن - ژوئیه. سرودن غزل.

ژوئیه. یادداشت «رگبار نور» را بر کتاب خواهرم، زندگی اثر پاسترناک نوشت. ۳۱ ژوئیه. عزیمت از برلین به چکسلواکی.

۵ آگوست. سفر به پراگ.

مارینا تسوتایوا از آگوست ۱۹۲۲ تا اکتبر ۱۹۲۵، به استثنای چند وقتی که در پراگ بود، فقط در روستاهای چک در فقر و سختی زندگی کرد.

۱۹ نوامبر. تسوتایوا نامه‌ی بلندی به پاسترناک نوشت که پایه‌گذار مکاتبات معروف آن دو به یکدیگر شد. تا آخر سال معمولاً آثار او در مجله‌ها و مجموعه‌های مخصوص مهاجران به چاپ می‌رسید.

دسامبر. تسوتایوا کار روی مجموعه داستان منظوم شیرمرد را که از مسکو



ماریا تسوتایوا همراه با سرگئی اقرون، آرپادنه و فرزند تازه ی خانواده گنورگی، پراگ، ۱۹۲۵

شروع کرده بود، به پایان رساند.

در نیمه ی دوم سال ۱۹۲۲ کتاب های بعدی تسوتایوا از جمله پایان کازانوف ها (در سه پرده)، برج، مسافت نماها و دوشیزه تزار و دوره چاپ شدند.

۱۹۲۳ ژانویه. «سرو» یادداشتی بر کتاب میهن اثر والکونسکی.

فوریه. چاپ پمته و بعد از آن مجموعه شعر روان.

فوریه - مارس. مکاتبه با پاسترناک. نوشتن تعداد زیادی شعر تغزلی.

آوریل. آشنایی با رادزویچ.

پاییز. شروع کار روی یک رمان همراه با رادزویچ و سرودن چند شعر برای او.

اکتبر. شروع کار روی تراژدی تستوس - آرپادنه.

۱۹۲۴ ۱ ژانویه - ۱ فوریه. سرودن منظومه کوه ها.

۱ فوریه - ۸ ژوئن. سرودن منظومه پایان.





مارینا تسولایوا همراه با کیورگی، مدون، ۱۹۲۸. عکاس: ان. بی. گرونسکی



مارینا تسولایوا همراه با کیورگی، مدون، ۱۹۲۸. عکاس: ان. بی. گرونسکی

۷ اکتبر. اتمام قسمت اول از تریلوژی خشم آفرودیته، به نام تسئوس -
آزیدنه (از این تریلوژی فقط دو بخش آن کامل شد).
۱ فوریه. تولد پسرش گئورگی. ۱۹۲۵

۱ مارس. تسوتایوا کار روی منظومه‌ی کریسالوف را شروع کرد.
بهار. انتشار داستان شیرمرد در حالی که دو سال از نوشتن آن می‌گذشت.
آگوست. قهرمان سختی‌ها را در باره‌ی والری بریوسف نوشت.
پاییز. تسوتایوا ضمن کار روی کریسالوف، مقدمات سفر به فرانسه را هم
آماده می‌کرد.

۱ نوامبر. خانواده‌ی تسوتایوا به پاریس رفت. او به علت فقر، مدت بسیار
کوتاهی را در پاریس، و بیشتر در حومه‌ی این شهر زندگی کرد.
دسامبر. پایان منظومه کریسالوف.

۶ فوریه. شعرخوانی پیروزمندانه تسوتایوا در یک نشست ادبی در پاریس.
فوریه - مارس. تسوتایوا مقاله‌های «شاعر در باره‌ی نقد» و «گلستان» را
نوشت که در آنها بی‌رحمانه شاعر و منتقد، آداموویچ را مورد انتقاد قرار داد.
۱۰-۲۶ مارس. مارینا تسوتایوا به لندن سفر کرد و در آنجا مشغول به کار
روی پاسخ من به اوسیب ماندلشتام شد.

۱۷ آوریل. تسوتایوا در کنسرت و مجلس ادبی انجمن شاعران جوان
شرکت کرد.

۲۴ آوریل. با فرزندانش به سن ژیل سفر کرد.

مه - آگوست. مکاتبات رمانتیک با پاسترناک و ریلکه.

مه. منظومه‌ی از دریا را خطاب به پاسترناک نوشت.

ژوئن. نوشتن منظومه تلاش برای یک اتاق خطاب به ریلکه و پاسترناک.

ژوئیه. نوشتن منظومه پلکان.

۷ نوامبر. نامه‌های تسوتایوا به ریلکه که پاسخ آنها دریافت نشد.

۲۹ دسامبر. رایئر ماریا ریلکه درگذشت.

۷ فوریه. «تبریک سال نو» را خطاب به ریلکه بعد از مرگ او نوشت. ۱۹۲۷

۲۷ فوریه. مرثیه منثور «مرگ تو» را در مرگ ریلکه نوشت.

مه. تسوتایوا کار روی کتاب شعر پس از روسیه را به اتمام رساند.

آخر مه. سرودن مجموعه شعر هوا در باره‌ی پرواز خلبان آمریکایی، چارلز



مارینا تسوتایوا همراه با گئورگی، ۱۹۲۰

لیندبرگ از نیویورک به پاریس، بر فراز اقیانوس آتلانتیک.

تابستان. کارروی تراژدی فایدرا.

سپتامبر. همهی اعضای خانواده به غیر از سرگئی افرون مخملک گرفتند. در آن زمان آناستاسیا، خواهر مارینا، که در سورنتو میهمان گورگی بود، به مدون نزد آنها آمد.

آخر سال. تقریباً کارروی فایدرا تمام شد.

۱۹۲۸ ژانویه. موقتاً به کارروی منظومهٔ یگوروشکا پرداخت.

ژانویه - فوریه. آشنایی با شاعر جوان، گرونسکی. بعد از روسیه آخرین مجموعه شعر چاپ شده در زمان حیات تسوتایوا، به بازار عرضه شد.

۱۵ ژوئن. شرکت تسوتایوا در کوچ نشین، اولین جلسه‌ی فعالان حوزهٔ ادبیات جوان.

۱ آگوست. کارروی منظومه‌ی خندق.

تابستان - پاییز. دوستی با گرونسکی.

۷ نوامبر. ملاقات با مایاکوفسکی در جلسه شعرخوانی او در کافه «ولتر».

۲۴ نوامبر. روزنامه‌ی یورازیا مقاله‌ای از تسوتایوا در ستایش مایاکوفسکی چاپ کرد که انتشار آن به سرنوشت ادبی او صدمه زد. (به گفته‌ی خود تسوتایوا دیگر از چاپ مطلب در روزنامه‌ی آخرین اخبار منع شد.)

۳ دسامبر. تسوتایوا روز عزیمت مایاکوفسکی به او نامه‌ای نوشت که با این عبارت تمام می‌شد: «دوستستان دارم». و مایاکوفسکی آن را نگه داشت.

۱۹۲۹ فوریه. ترجمه‌ی چند نامه از ریلکه.

فوریه - مارس. مقاله‌ی بلندی در باره‌ی گانچارووی نقاش نوشت.



شهره مسعودی، ۱۹۷۲

تا اواسط مه روی منظومه‌ی خندق کار کرد و برای منظومه‌ی دوشیزه‌ی تزار اطلاعات جمع‌آوری کرد.

اکتبر. سفر چند روزه همراه با نشست‌های ادبی در بروسل.

۲۶ نوامبر. سخنرانی در جلسات گفتگوی «نویسندگان روسی و فرانسوی». ۱۸ دسامبر. سخنرانی در جلساتی با موضوع «داستایفسکی در نگاه معاصران ما».

۱۹۳۰ آغاز سال. کار روی منظومه‌ی دوشیزه‌ی تزار.

مارس. ترجمه‌ی منظومه‌های شیرمرد به فرانسه و در بعضی موارد بازنویسی آنها با دقت بیشتر، که تصویرسازی آن را گانچاروا انجام داد. منظومه، به استثنای بخش اول آن، چاپ نشد.

۲۶ تا ۲۹ آوریل. ماریئا تسوتایوا در نشست‌های «رمانتیک‌ها» و «گفتگوی نویسندگان مهاجر روس با نویسندگان فرانسه» شرکت کرد.

آگوست. رکویم را، متشکل از هفت شعر، برای مایاکوفسکی سرود.

۲۸ فوریه. به ایگور سوریانین بعد از مراسم سال جشن او در ۲۷ فوریه در پاریس، نامه‌ای نوشت که آن را پست نکرد.

آوریل - مه. نگارش داستان یک تقدیم‌نامه در باره‌ی گشت و گذارش در مسکو همراه با ماندلشتام.

ژوئن. سرگئی افرون که کم‌کم شروع به همکاری با اتحاد جماهیر شوروی کرده بود، از شوروی درخواست شهروندی کرد.

ژوئن - ژوئیه. کار بر مجموعه‌ی اشعاری برای پوشکین.

پاییز. کار روی رساله‌ای به نام هنر در پرتو وجدان.

۲۷ ژانویه. سخنرانی در مجلس ادبی با عنوان «شاعر و زمان».

۲۶ مه. سخنرانی «هنر در پرتو وجدان».

سپتامبر. مقاله «کلامی زننده درباره‌ی انسانی زننده» را خطاب به والوشین نوشت.

۱۳ اکتبر. خواندن مقاله «کلامی زننده درباره‌ی انسانی زننده» در یک نشست ادبی.

۱۷-۱۸ اکتبر. اشعار «اینجا در آسمان» را به یاد والوشین نوشت.

نوامبر - دسامبر. رساله‌ی فلسفی نامه‌ای به یک زن آموزنی را به زبان فرانسه

خطاب به ناتالی کلیفورد بارنی نوشت که در طول حیاتش چاپ نشد. دسامبر. نوشتن مقاله‌ای مفصل در باره‌ی کتاب کودک روسی نوین و نوشتن مقاله‌ی «حماسه و غزل معاصر روسیه» در مورد پاسترناک و مایاکوفسکی.

۱۹۳۳ ژانویه. براساس نامه‌هایی که به ویشنیاکِ ناشر نوشته بود رمانی به زبان فرانسه نوشت (رمان چاپ نشده است).

مارس. «قصیده پیاده نظام» را تمام کرد. تابستان. وقایع نگاری نه چندان بلندی در مورد کودکی خود به نام برج در پیچک نوشت.

۷ ژوئیه. مقاله‌ی «شاعران با تاریخ و شاعران بدون تاریخ» را در باره‌ی پاسترناک نوشت.

ژوئیه. کار روی مجموعه شعر «میز» را تمام کرد. آگوست - سپتامبر. نوشتن زندگی‌نامه: موزه الکساندر سوم، تاج افتخار، افتتاح موزه، داماد و همچنین مقاله «دو پادشاه جنگلی».

دسامبر. تسوتایوا اتوبیوگرافی خانه پیمن پیر را تمام و چاپ کرد. در آن زمان افرون قاطعانه تصمیم گرفت به زادگاهش بازگردد و این موضوع شاعر را رنجاند.

۱۹۳۴ فوریه. مرثیه «روح اسیر» را به نثر به یاد آندری بیلی نوشت. مه. نوشتن خاطرات تحت عنوان ترکه‌ها.

ژوئن. نمایشنامه کوتاه نیمه زندگی و بعد از آن جیتی‌ها را، ظاهراً تحت تأثیر معجزه با اسب، به زبان فرانسه، نوشت:

آخر تابستان - ابتدای پاییز. خاطراتی تحت عنوان مادر و موسیقی و داستان مادر را به یاد مادرش نوشت.

نوامبر. تسوتایوا از مرگ گرونسکی مطلع شد و به سرعت مشغول نوشتن رکویم «شاعر - کوهنورد» شد. (فقط ترجمه مقاله به زبان صربی موجود است).

عید پاک. مقاله «شاعر - کوهنورد» را تمام کرد. ژانویه. تسوتایوا برای مرگ گرونسکی مجموعه شعر سنگ قبر را نوشت.

۱۹۳۵ ۲ فوریه. سخنرانی «ملاقات من با بلوک» (متن سخنرانی موجود نیست). فوریه. به دلیل اختلاف با آلیا [دخترش]، خانه را موقتاً ترک کرد.



آریادنا افرون، پاریس، ۱۹۳۶

بهار. آغاز نگارش شعر «خواننده»، اما به سرعت این کار را متوقف کرد. ژوئن. یک بخش از بیوگرافی داستانی خود را با عنوان شیطان نوشت. ۲۰ ژوئن. بیوگرافی داستانی را در یک مجلس ادبی خواند. ۲۴ ژوئن. مارینا تسوتایوا در کنگره بین‌المللی شاعران ضد فاشیست، با پاریس پاسترناک ملاقات کرد. پاسترناک به دلایل متعددی افسرده بود. او با تسوتایوا هیچ صحبتی نکرد و شاعر زن نتوانست آن برخورد را ملاقات بنامد؛ شاعران همدیگر را درک نکردند.

۲۸ ژوئن. همراه با پسرش برای استراحت به فاویر رفت. تابستان - پاییز. در فاویر مجموعه برای پدر متشکل از دو شعر، را نوشت. سرگئی افرون آرزوی بازگشت به زادگاهش را در سر داشت. کمتر از یک سال بود که او برای سازمان طرفدار اتحاد جماهیر شوروی کار می‌کرد.

مارس. هنگامی که تسوتایوا از مرگ میخائیل کوزمین شاعر مطلع شد، «غروب ۱۹۳۶ ماورایی» را به یاد تنها ملاقاتش با او در زمستان ۱۹۱۶ در پتروگراد نوشت. آوریل. چهار داستان کوتاه با نام کلی پدر و موزه‌اش نوشت.

۲۰-۲۷ مه. سفر به بروسل همراه با خواندن داستان‌های پدر و موزه‌اش به زبان فرانسه.